

بررسی مقایسه‌ای گلستان سعدی با بهارستان جامی

پری رضوان‌طلب^۱

نوروز امینی^۲

چکیده

«گلستان» سعدی، یکی از زیباترین کتاب‌های نثر فارسی و در سراسر ادبیات جهانی کم‌نظیر است. این کتاب ویژگی‌هایی دارد که در هیچ کتاب دیگر نیست. نثر ساده، روان، مسجع و آهنگین آن، به همراه ایجاز شگفت‌انگیزش در بیان عالی‌ترین مضامین تربیتی، باعث ماندگاری آن شده است. «گلستان»، تحولی عظیم در نثر فارسی ایجاد کرد؛ به گونه‌ای که کتاب‌های بسیاری، پس از آن و به تقلید از آن نوشته شد. یکی از این کتاب‌ها «بهارستان» جامی است. جامی، «بهارستان» را حدود دویست سال پس از «گلستان» نگاشته و با وجود همه تلاشی که برای دوری از تقلید صرف و ایجاد سبکی جدید در نثر فارسی دارد، ناگزیر از تقلید از گلستان شده است. این پژوهش، با استفاده از روش تحلیل متن و با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای، دو کتاب گلستان و بهارستان را در سه حوزه ساختاری، زبانی و بلاغی بررسی و شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو اثر را فرادید آورده است.

کلید واژه‌ها: گلستان، بهارستان، نثر فارسی، سبک ادبی، تحلیل نثر، سبک‌شناسی.

۱- کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی؛ واحد خوی دانشگاه آزاد اسلامی، خوی - ایران.

۲- استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم؛ دانشکده علوم قرآنی خوی - ایران. (نویسنده مسؤل) Amini@quran.ac.ir

پذیرش: ۱۳۹۴/۰۲/۲۸

اعلام وصول: ۱۳۹۳/۰۹/۲۵

مقدمه

هر چند آثار ادبی را به دو نوع شعر و نثر تقسیم کرده‌اند، اما همواره کفه شعر سنگینی می‌کرده است و ادبا تلاش می‌کرده‌اند آثار خود را بیشتر در قالب نظم ارائه کنند. اما از قرن هفتم به بعد در پی تحولاتی در ادبیات، نثرنویسی نیز در زمره هنر درآمد و شاعران، به نثر نیز همانند نظم اهمیت دادند. این تحول که با *گلستان سعدی* آغاز شد، پیروانی چند در میان شاعران پارسی‌سرا پیدا کرد؛ به گونه‌ای که آثاری مثل *بهارستان جامی*، *خارستان خوافی* و *پرشان قآنی* به تقلید از *گلستان* تألیف شد. (احمد، ۱۳۶۸: ۱۶) پرسش این است که سخن سعدی و نثر او چه ویژگی‌های ممتازی داشت که این چنین تحولی در ادبیات فارسی پدید آورد؟ پاسخ این پرسش را می‌توان از رهگذر مقایسه هنر سعدی با سایر آثار مشابه به دست آورد. این پژوهش، در راستای کشف و پرده‌برداری از راز خلود سخن سعدی در *گلستان*، به مقایسه *گلستان* و *بهارستان جامی*، پرداخته و شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو اثر را، هم در زمینه ساختار و محتوا و هم در زمینه سبک نگارشی و جلوه‌های فصاحت و بلاغت، فرادید قرار داده است.

بیان مسأله

- ۱- بهارستان جامی از لحاظ ساختار، محتوا، سبک نگارشی و بلاغی چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با *گلستان سعدی* دارد؟
- ۲- بهارستان جامی در حوزه ساختار، محتوا، سبک و بلاغت تا چه اندازه از *گلستان سعدی* تأثیر گرفته است؟
- ۳- وجه تمایز بهارستان جامی در حوزه‌های یادشده با *گلستان سعدی* چیست؟

ضرورت تحقیق

ضرورت و اهمیت این پژوهش از رهگذر ضرورت تحلیل شکلی و ساختار متون کهن ادبی قابل تبیین است. از رهگذر این پژوهش هم جایگاه *گلستان سعدی* به عنوان شاهکاری ادبی بیش از پیش جلوه‌گر می‌شود و هم تأثیرات آن بر دیگر آثار و تأثرات آثار پس از آن، از این کتاب سترگ هویدا می‌شود.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های ارزشمندی درباره سعدی و گلستان انجام شده که هریک حاوی اطلاعاتی ارزشمند در باره این اثر بدیع است؛ آثاری چون حدیث خوش سعدی از زرین‌کوب، گلستان سعدی از احمدی گیوی و سبک‌شناسی بهار و ... اما درباره بهارستان متأسفانه نه تنها تاکنون پژوهشی جامع انجام نیافته، بلکه حتی درباره خود متن بهارستان هم آثار تحقیقی و انتقادی چندانی وجود ندارد. درباره مقایسه متن این دو کتاب نیز پژوهش‌چندانی صورت نگرفته است؛ جز یک مقاله با عنوان «بررسی و مقایسه محتوایی و بلاغی بهارستان جامی با گلستان سعدی» به قلم علیرضا مظفری و رقیه گودرزی که در فصلنامه ادبیات فارسی (سال چهارم، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۷۸) منتشر شده است که آن هم تنها به مقایسه محتوایی و بلاغی اکتفا کرده و از مقایسه ساختاری غافل بوده و در همان زمینه‌های محتوایی و بلاغی نیز بررسی و مقایسه کاملی انجام نداده است. پژوهش حاضر گامی در زمینه مقایسه ویژگی‌های گلستان و بهارستان است که با هدف ارائه مقایسه‌ای جامع و کامل از این دو کتاب تهیه و تنظیم شده است.

بحث و بررسی

۱- تعاریف و اصطلاحات

۱-۱- نثر

«نثر در لغت به معنای پراکنده و سخن پاشیده است.» (معین، ۱۳۸۵: ۱۵۰۵؛ پادشاه، بی‌تا: ۴۰۸۶) و «در اصطلاح به معنای کلامی است که از قیود شعر آزاد باشد.» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۴، ۲۲۳۳۹؛ خطیبی، ۱۳۸۶: ۲۷) «در یک کلام، منظور از سخن منشور کلامی است که در آن مفاهیم و معانی با وضوح و روشنی و رسایی با نظم فکری و منطقی بیان شود.» (همان: ۲۹)

۱-۲- سعدی و گلستان

گلستان یکی از زیباترین کتاب‌های نثر فارسی است و ویژگی‌هایی دارد که در هیچ کتاب دیگر نیست. نثر است آمیخته به شعر، یعنی؛ برای هر جمله و مطلبی که به نثر ادا شده است، یک

یا چند شعر فارسی و گاه عربی شاهد آورده است که آن معنا را می‌پرورد و تکمیل می‌کند. این اشعار همه از سروده‌های خود اوست؛ چنانکه می‌گوید:

کهن خرقه خویش پیراستن به از جامه عاریت خواستن
(همان، ۱۳۸۶: ۱۸۲)

نثرش گذشته از فصاحت و بلاغت و سلاست و ایجاز و متانت و استحکام و ظرافت، همه آرایش‌های شعری، حتی سجع و قافیه را نیز دربردارد، با این حال به هیچ‌وجه تکلف و تصنع در آن دیده نمی‌شود و کاملاً طبیعی است؛ سعدی لطایف سخن را چنان به کار برده است که گویی آن معانی را جز این لفظی نیست. «ایجاز در کلام سعدی گاه به درجه اعجاز می‌رسد و کوتاهی لفظ را چنان خوش داشته است که در بعضی از عباراتش چون دقت شود، بر حسب قواعد ناقص به نظر می‌آید، اما به اندازه‌ای محکم و دلپذیر گفته است که اغلب ذهن متوجه این نکته نمی‌شود.» (سعدی، ۱۳۸۷: مقدمه، ۴؛ زرین‌کوب، ۱۳۷۹: ۱۲۲) «گلستان تصویری از تمام جامعه عصر بود.» (همان: ۷۹) گلستان نه تنها شاهکار ادبی است، بلکه پراج‌ترین اثر اخلاقی و تربیتی نیز پنداشته می‌شود. «از عبارات دلنشین و زیبای این کتاب، ایمان، خداپرستی، انسان‌دوستی، اخلاق و آزادی می‌جوشد.» (خزائلی، ۱۳۴۸: ۱۲)

۳-۱- جامی و بهارستان

«جامی از ادبای قرن نهم هجری است.» (حکمت، ۱۳۶۳: ۸) «که سرودن شعر را در جوانی آغاز کرده و در آن شهرتی یافته بود، با تکیه زدن بر مقام ارشاد و به نظم کشیدن تعالیم عرفانی و صوفیانه به محبوبیتی عظیم در میان اهل دانش دست یافت.» (زرین‌کوب، ۱۳۷۸: ۳۸۸)

یکی از مهم‌ترین آثار او «بهارستان» است «سبک انشاء و شیوه سخن در این کتاب به تقلید از سعدی نثر آمیخته به نظم است.» (جامی، ۱۳۶۶: مقدمه، ۲۳) «نثر آن نیز مسجع و متکلفانه است.» (حکمت، ۱۳۶۳: ۲۰۳) «جامی با وجود داشتن آثار علمی و ادبی فراوان، در نویسندگی صاحب سبک بدیع و نو نیست، بلکه اغلب مقلد آثار پیشینیان است؛ اما در تقلید بسیار هنرمند و استاد است.» (جامی، ۱۳۶۶: مقدمه، ۱۹)

۲- بررسی و مقایسه ساختاری گلستان و بهارستان

۱-۲- بررسی ساختاری گلستان

«سعدی، گلستان را در یک دیباچه، هشت باب و یک خاتمه تنظیم کرده است که در مجموع ۱۸۰ حکایت و تعداد قابل توجهی (بیش از صد بند) از سخنان قصار سعدی را در خود جای داده است. دیباچه شامل حمد و ثنای خداوند و مدح پیامبر اسلام و نیز بیان سبب تألیف کتاب است.» (سعدی، ۱۳۸۶: ۱۰-۱)

«باب اوّل «در سیرت پادشاهان» نام دارد و شامل ۴۱ حکایت است و هرچند از نظر تعداد حکایات، دومین باب گلستان به شمار می‌رود، اما از حیث حجم، بزرگ‌ترین باب گلستان است. در برخی از حکایات این باب دیدگاه سعدی درباره آیین کشورداری، که همان نظریه «حکومت دموکراتیک» است، منعکس شده است؛» (سعدی، ۱۳۸۶: ۴۸-۱۱؛ مظفری و گودرزی، ۱۳۸۷: ۵۷)

«باب دوم «در اخلاق درویشان» نام دارد و شامل ۴۸ حکایت است و از نظر تعداد حکایات، نخستین باب گلستان به شمار می‌رود. قهرمانان داستان‌ها در این باب زاهدان، پارسایان، عابدان، گدایان، فقها، حکما، پیران طریقت و علمای اهل تحقیق هستند.» (ر. ک: سعدی، ۱۳۸۶: ۷۸-۴۹)

«سعدی بنا به ملاحظه ممدوح، آغاز کتاب را با سیرت پادشاهان شروع کرده و بلافاصله در اخلاق درویشان و کنایات و اشارات بر ضد درویشان پرخور و کم‌کار و فقهای بی‌کردار و خورندگان مال اوقاف، به کار برده و درویشان را در مقابل ناداری، به صبر و شکیبائی دعوت می‌کند.» (بهار، ۱۳۸۰: ۳، ۱۲۷)

«باب سوم «اندر فضیلت قناعت» نام دارد و شامل ۲۸ حکایت در این موضوع است. بر اساس محتوای حکایات این باب، می‌توان دریافت که منظور سعدی از قناعت، پانهادن بر هواها و هوس‌ها و داشتن عزت نفس و پرهیز از دست دراز کردن به پیشگاه بندگان خداست.» (مظفری و گودرزی، ۱۳۷۸: ۵۸)

«باب چهارم «اندر فواید خاموشی» است و ۱۴ حکایت دارد. محتوای حکایات این باب به مسائلی چون فواید کم‌گویی، راز نگهداری، پرهیز از هم‌سخن شدن با نادانان، آداب سخن گفتن و

انتقاد از خطبا و مؤذنان و قاریان بدصدا است که با صدای خود باعث آزار مردم می‌شوند.» (سعدی، ۱۳۸۶: ۱۰۹-۱۰۳)

«باب پنجم «در عشق و جوانی» نام دارد و شامل ۲۱ حکایت در این موضوع است.» (همان: ۱۳۰-۱۱۱)

«باب ششم «در ضعف و پیری» نام دارد و شامل نه حکایت است و کوتاه‌ترین باب گلستان به شمار می‌رود.» (همان: ۱۳۷-۱۳۱)

«باب هفتم «در تأثیر تربیت» نام دارد و شامل ۱۹ حکایت در زمینه‌های تربیتی از جمله تأثیر وراثت و محیط در تربیت، اختلافات فردی افراد، اثر تنبیه و تشویق در تربیت، نقش مربیان و اولیا در تربیت و فلسفه تعلیم و تربیت و ... است.» (همان: ۱۵۸-۱۳۹)

باب هشتم «در آداب صحبت» نام دارد و شامل کلمات قصار سعدی است. تفاوت این باب با سایر ابواب در این است که این باب اغلب شامل سخنان حکیمانه است و در آن کمتر از حکایت بهره برده است.

اغلب حکایات این باب در اواخر باب آمده است و اوایل باب بیشتر کلمات قصار سعدی است. «خاتمه گلستان نیز گفتاری کوتاه است در باره اینکه اشعار کتاب، سروده‌های خود سعدی است.» (همان: ۱۸۲) «سعدی کتاب اخلاقی خود را به شیوه فلاسفه اخلاق، تبویب نمی‌کند. کتاب اخلاق ناصری خواجه نصیر، که هم‌عصر سعدی است، آن‌چنان که مشخص است کتابی اخلاقی است و بسیاری از مطالب اصلی در کتاب او و گلستان مشترک است، اما گذشته از نحوه بیان و دشواری کلام خواجه نصیر، از حیث فصل‌بندی نیز، خواجه نصیر فیلسوفانه عمل می‌کند و کتاب خود را بر مبنای طبقه‌بندی «تهذیب اخلاق» و «تدبیر منزل» و «سیاست مدن» تنظیم می‌کند، اما سعدی که نمی‌خواهد اخلاق و تربیت را اساس فلسفه اخلاق که مربوط به حکما و فلسفه خوانان می‌شود، تدوین کند و روی سخن او با همه مردمان، اعم از خاص و عام است، فصل‌بندی کتاب خود را نیز متفاوت با کتبی که برای خواص نوشته می‌شود، ترکیب می‌دهد؛ او ترجیح می‌دهد داروی تلخ اخلاق را در لعاب شیرین شعر و ادب به کام جان‌ها خوش کند و در این کار بیش از

هر آموزنده ادب و اخلاق موفق می‌شود.» (همان: مقدمه، ۲۷) «سعدی ابواب هشتگانه گلستان را طوری ترتیب داده است که هر یک دیگری را می‌آراید و به دیگری مدد می‌رساند.» (بهار، ۱۳۸۰: ۳، ۱۲۶)

۲-۲- بررسی ساختاری بهارستان

«بهارستان در یک مقدمه، هشت روضه و یک خاتمه ترتیب یافته است. مقدمه آن شامل حمد و ثنای پروردگار و مدح پیامبر و خاندان او و بیان سبب تألیف کتاب و ساختار آن است.» (جامی، ۱۳۷۹: ۱۹-۲۲)

«روضه نخست» در نشر ریاحین چیده از بساتین دوربینان راه هدایت و صدرنشینان بارگاه ولایت» نام دارد که در مجموع شامل ۳۷ حکایت است.» (همان: ۲۳-۳۷)

«روضه دوم» در ترشیح شقایق دقایق حکم که به رَسَّحات سحاب کرم در زمین قلوب حکما و اراضی خواطرشان خاسته و به شرح و بیان آن مطاوی دفاترشان آراسته» عنوان یافته است، و حکمت‌های این بخش ۱۹ حکایت و حکمت است.» (همان: ۳۸-۵۱)

روضه سوم «در بیان شکفتن شکوفه‌های باغستان حکومت و ایالت که متضمن میوه‌های نَصَفَت و عدالت است»، نام دارد. «جامی در این روضه ۱۷ حکایت و حکمت کوتاه در احوال و اقوال برخی از سلاطین گذشته و اسرار حکومت و وزرای آن‌ها آورده است.» (همان: ۵۲-۶۴)

روضه چهارم «در وصف میوه‌بخشی درختان باغستان جود و کرم و شکوفه‌ریزیشان به بذل دینار و درم» نام دارد.» (همان: ۶۵-۷۷)

روضه پنجم «در تقریر رَقَّت بلبلان چمن عشق و محبّت و حرقت بال پروانگان انجمن شوق و مودّت» نام دارد. «در این روضه دوازده حکایت جالب از عشق و دلدادگی و فداکاری عشاق بیان شده است.» (همان: ۷۸-۹۵)

روضه ششم «در وزیدن نسایم ملاطفات و روایح مطایبات که غنچه لب‌ها را بخنداند و شکوفه دل‌ها را بشکفاند.» عنوان یافته است. «و در آن ۴۸ حکایت و مطایبه آمده است که نظیری است بر نوشته‌های عبید زاکانی.» (همان: ۹۶-۱۲۱)

روضه هفتم که عنوان آن چنین است: «در داستان مرغان قافیه سنج سراپستان سخنوری و طوطیان غزل‌سرای شکرستان نظم‌گستری» این روضه حاوی احوالات شاعران و نکات سودمندی درباره‌ی ایشان است و در تحقیق احوال شاعران می‌تواند کاربرد داشته باشد. به دلیل وجود همین روضه است که بهارستان را نظیری استادانه بر گلستان دانسته‌اند که متضمن یک فصل خوب در تاریخ ادبیات است. این روضه در حدود سی و یک صفحه و طولانی‌ترین روضه بهارستان است.» (همان: ۱۵۳-۱۲۲)

روضه هشتم «در حکایاتی چند از زبان احوال بی‌زبانان که خردمندان و نکته‌دانان امثال آن وضع کرده‌اند تا به جهت غرابت و ندرت طبیعت بر آن اقبال نماید و بر روی ابواب فهم حکم و مصالح بگشاید.» نام دارد. «این روضه مشتمل بر حکایاتی به روش کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه است که از زبان جانوران نوشته شده است و در مجموع ۲۲ حکایت دارد.» (همان: ۱۶۷-۱۵۴)

«خاتمه بهارستان هم شامل بیان این نکته است که تمامی اشعاری که به ناظمی منسوب نگشته، از سروده‌های خود جامی است و نیز قطعه‌ای در بیان تاریخ تصنیف کتاب در آخر خاتمه آمده است.» (همان: ۱۶۸)

«جامی، بهارستان را به پیروی از گلستان سعدی نوشته است، ولی مسلم است که قصد او در این کار ساده‌تر کردن شیوه انشای سعدی بود و به همین سبب انشای بهارستان حتی در آن قسمت که رنگ ادبی آن بیشتر است، بیش از آنچه انتظار می‌رود، متمایل به سادگی است و شاید یکی از علل این تمایل اختصاص کتاب به تعلیم فرزند نوآموز مؤلف بود.» (مظفری و گودرزی، ۱۳۸۷: ۶۸)

«این کتاب غالباً مشتمل بر مطالب اخلاقی عالی و دستوره‌های سودمند برای زندگانی است. قطعه‌های تاریخی آن نیز قسمت‌های مفیدی دارد که به روشن شدن احوال شعراء و عرفا کمک می‌کند.» (همان: ۷۰) بهارستان ۴۶۹ بیت دارد و همه آن‌ها سروده خود جامی است؛ چنان‌که می‌گوید:

جامی هر جا که نامه‌ای آراست	از گفته کس به عاریت هیچ نخواست
آن را که ز صنع خود دکان پرکالاست	دلّالی کالای کسانش نه سزاست

(جامی، ۱۳۷۹: ۱۶۸)

۲-۳- شباهت‌ها و تفاوت‌های ساختاری گلستان و بهارستان

- از نظر ساختاری، دو کتاب شباهت‌هایی چند با هم دارند که به شرح زیر می‌توان تبیین کرد:
- ۱- هر دو کتاب دارای یک مقدمه، هشت باب و یک خاتمه هستند.
 - ۲- هر دو کتاب ترکیبی از نظم و نثر هستند.
 - ۳- هر دو کتاب حاصل تجربیات نویسندگان آن‌ها هستند؛ به بیان دیگر هر دو نویسنده، مطالب کتاب خود را تصنیف نموده‌اند و در نگارش کتاب از منبع یا منابعی استفاده نکرده‌اند.
 - ۴- اشعار هر دو کتاب حاصل طبع نویسندگان آن‌هاست.
 - ۵- باب اول گلستان به سیرت پادشاهان اختصاص دارد. در بهارستان نیز بابی مشابه آن وجود دارد. روضه سوم بهارستان از نظر موضوع مشابه باب اول گلستان است.
 - ۶- باب دوم گلستان به اخلاق درویشان اختصاص دارد. روضه اول بهارستان نیز از نظر موضوع با باب دوم گلستان تناسب و شباهت دارد. در این روضه به احوال مشایخ صوفیه پرداخته است.
 - ۷- باب سوم گلستان به فواید قناعت اختصاص دارد. روضه چهارم بهارستان هم که به بخشش و جود و کرم اشاره دارد، تقریباً مضمونش با باب سوم گلستان شباهت دارد؛ چون در هر دو کتاب درباره بی‌اعتنایی به مال دنیا و قناعت کردن به متاع اندک دنیا و دل نبستن به مال و عدم بُخل و داشتن روحیه جود و بخشش سخن رفته است.
 - ۸- در هر دو کتاب بابی درباره عشق وجود دارد. باب پنجم هر دو کتاب به عشق اختصاص یافته است. باب پنجم گلستان و روضه پنجم بهارستان درباره عشق و جوانی است. البته «جامی در برخی از داستان‌هایش فردی موفق است و تا قدری به سبک گلستان نزدیک شده است.» (بهار، ۱۳۸۰: ۳، ۱۲۷)
 - ۹- هدف از تصنیف هر دو کتاب تنظیم یک منظومه تربیتی است. با این تفاوت که مخاطب سعدی در گلستان فرد خاصی نیست، اما مخاطب جامی، در درجه اول، فرزند نوجوان اوست.
 - ۱۰- نقش زنان در هر دو کتاب، کم‌رنگ است و جز مواردی انگشت‌شمار، از زنان سخنی نرفته است. «در گلستان در مجموع سیزده بار، اشخاص داستان‌ها را زنان تشکیل می‌دهند،»

(مظفری و گودرزی، ۱۳۸۷: ۶۳) «در بهارستان نیز تنها در دو مورد، یک مورد در باب مطایبات، و مورد دیگر در باب حالات عشق، از زنان سخن رفته است.» (مایل هروی، ۱۳۷۷: ۱۲۴)

۱۱- طول حکایات در هر دو کتاب کم و زیاد می‌شود. کوتاه‌ترین حکایت گلستان، یک و نیم سطر است و طولانی‌ترین حکایت آن نیز شامل چندین صفحه است. کوتاه‌ترین متن بهارستان هم چهار سطر و طولانی‌ترین آن‌ها نیز چندین صفحه است.

۱۲- در هر دو کتاب از اشعار عربی استفاده شده است؛ با این تفاوت که همان‌گونه که تعداد کل اشعار بهارستان از گلستان کمتر است، تعداد اشعار عربی آن نیز از اشعار عربی گلستان کمتر است. «در مجموع در گلستان ۱۰۸۷ بیت فارسی و ۱۱۴ بیت عربی به کار رفته است» (مظفری و گودرزی، ۱۳۸۷: ۶۲) «در بهارستان نیز در مجموع ۴۵۳ بیت فارسی و ۱۶ بیت عربی به کار رفته است.» (همان: ۷۰) البته در بهارستان، در باب احوال شاعران، تعداد ۱۳۶ بیت از اشعار شاعران دیگر نیز آمده است که سروده خود جامی نیست.

با وجود شباهت‌های مذکور از نظر ساختاری، دو کتاب تفاوت‌هایی به شرح زیر با هم دارند:

۱- گلستان، مجموعه‌ای از حکایات است و سراسر آن، جز باب هشتم، چیزی جز حکایت نیست. اما بهارستان ترکیبی از حکایات و مطالب حکمت‌آمیز است. حکایت‌ها در لابه لای سخن و به تناسب به کار گرفته شده است.

۲- قهرمان حکایت‌های گلستان در برخی موارد خود سعدی است. در مواردی هم که قهرمان اصلی داستان، سعدی نیست، سعدی یکی از نقش‌آفرینان داستان است. هر چند در برخی موارد نیز سعدی تنها راوی داستان است. اما جامی در سراسر بهارستان تنها راوی داستان‌هاست و در هیچ داستانی نقش قهرمان داستان را ندارد.

۳- سعدی عنوان بخش‌های هشت‌گانه کتاب را «باب» قرار داده است، در حالی که جامی، عنوان بخش‌های هشت‌گانه‌اش را «روضه» قرار داده است.

۴- هر چند بهارستان نیز یک مقدمه و هشت باب دارد، ولی ترکیب و تألیف باب‌ها به آن زیبایی و دقت که در گلستان است، نیست.

- ۵- عناوین باب‌ها در گلستان، کوتاه و گویاست، در حالی که عناوین روضه‌ها در بهارستان بلند و گاه بالغ بر دو سطر است.
- ۶- باب‌های «فضیلت خاموشی»، «ضعف و پیری»، «فواید تربیت» و «آداب صحبت» که در گلستان وجود دارد، معادل و نظیری در بهارستان ندارد.
- ۷- روضه‌های دوم، ششم، هفتم و هشتم که به ترتیب به مباحث حکمت و حکما، مطایبات، احوال شاعران و داستان‌های جانوران اختصاص دارد، نظیری در گلستان ندارد.
- ۸- روضه‌ی مربوط به احوال شاعران، شامل اطلاعاتی منحصر به فرد از زندگانی و احوال شاعران است که نظیری در گلستان ندارد.
- ۹- حکایات تاریخی بهارستان مستند و واقعی است، در حالی که داستان‌های موجود در گلستان، اغلب ساخته و پرداخته‌ی ذهن سعدی است و اغلب بهره‌ای از واقعیت ندارد.
- ۱۰- سعدی، گلستان را به خواهش دوست صمیمی‌اش برای عموم مردم تصنیف نموده است، اما جامی، بهارستان را برای فرزند نوجوان خود که در حال یادگیری مقدمات علوم بود، تصنیف نموده است.
- ۱۱- اشعار گلستان اغلب برای تکمیل داستان آمده و در مواردی چند نقش تأکید کنندگی برای داستان دارد، اما بیشتر اشعار بهارستان، برای تأکید موضوع مطرح شده است.
- ۱۲- در گلستان به ندرت داستانی از حیوانات یا از زبان آن‌ها بیان شده است، در حالی که در بهارستان یک روضه به این موضوع اختصاص داده شده است.

۳- بررسی و مقایسه‌ی زبانی گلستان و بهارستان

۳-۱- بررسی زبانی گلستان

نخستین ویژگی زبانی گلستان، نثر ساده و بی‌تکلف آن است. «سعدی در نثر گلستان از آرایه‌ی شعری در نثر استفاده کرده و به جای آنکه از لغات دشوار و نامأنوس عربی یا منسوخ بهره‌گیرد، از همان واژه‌های متداول و ساده‌ی فارسی در نثر خود بهره برده و برای آرایش کلام، نثر را همانند شعر، موزون کرده و در لابه‌لای نثر از اشعار خود نیز بهره برده است تا جلوه‌ای به کلام

بدهد که هم شیرینی و لذت سخن شاعرانه را داشته باشد و هم مضامینی را که اغلب در نثر بیان می‌شود، به خواننده القا کند.» (سعدی، ۱۳۶۸: مقدمه، ۱۵) «سبک گلستان نثری است که خصوصیات لفظی و معنوی نظم را در خود حل کرده و نظمی است که سادگی و روشنی نثر را دربردارد.» (همان ۶۵)

ویژگی دوم گلستان از نظر سبک زبانی، ایجاز است. «سعدی در این کتاب سخن را آن‌چنان موجز بیان داشته که مختصرتر از آن ممکن نیست و حتی از یک عبارت آن یکی دو حرف نمی‌توان کاست. وی در ایجاز، تنها به حذف کلمات اضافی بسنده نمی‌کند، بلکه گاه قسمتی از حکایت را که خواننده با اندکی تفکر می‌تواند دریابد، ذکر نمی‌کند. این کار او، هم ایجاز را به نهایت می‌رساند و هم خواننده را به اندیشیدن وامی‌دارد.» (همان، ۱۳۸۷: مقدمه، ۱۸)

ویژگی سوم گلستان، «استفاده از زبان طنز است»؛ (همان، ۱۳۸۶، الف: مقدمه، ۳۰) «محتوای گلستان چنان می‌نماید که نویسنده یک انسان عصر ماست. در بین ما زندگی می‌کند و از زبان ما سخن می‌گوید و با لحنی آمیخته به جدّ و هزل، جامعه ما را که از ضعف‌های مزمن انسانی رنج می‌برد، تصویر می‌کند.» (زرّین کوب، ۱۳۷۸: ۱۸۴)

ویژگی چهارم زبانی گلستان، موسیقی آن است؛ «سعدی به هیچ‌یک از صناعات شعری علاقه وافر نشان نمی‌دهد، اما در عوض به موزونی و روانی سخن و موسیقی کلمات توجه ویژه‌ای دارد.» (سعدی، ۱۳۸۶- الف: مقدمه، ۲۰)

ویژگی پنجم آن، هماهنگی میان نظم و نثر است؛ «نظم و نثر در گلستان همچون گل‌های دلنواز و سروهای سرفراز در کنار هم بالیده و بر زیب و زینت هم افزوده‌اند» (همان، ب: مقدمه، ۳۹) «در گلستان، شعر در خدمت نثر است و آن را تأیید، تکمیل یا تزئین می‌کند.» (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۳: ۱۳، ۹۵)

ویژگی ششم زبان گلستان، هم‌آرایی واژه‌ها و ترکیب‌ها و عبارات و جملات فارسی و عربی است. «سعدی از کاربست لغات ثقیل عربی و ترکیبات نامأنوس و جمع‌های مکسر سنگین آن خودداری کرده و در جایی هم که از زبان عربی بهره برده، از لغات ساده و همه‌کس‌فهم آن بهره برده است.» (همان، الف: مقدمه، ۲۱)

ویژگی هفتم زبان گلستان، «ابداع واژه‌ها و ترکیب‌های جدید و زیباست.» (همان: مقدمه، ۱۸) «استفاده از ضرب‌المثل‌های رایج و نیز کاربرد اصطلاحات متداول در گلستان نیز یکی دیگر از ویژگی‌های زبان گلستان است.» (همان، الف: مقدمه، ۲۴) به طور کلی سعدی در نثر گذشتگان عرب و عجم غور کرده و هر چه را در نظرش نادرست و غیرضروری جلوه نموده، حذف کرده و هر چه را ضروری دانسته، اخذ نموده و به کار بسته است، «در این میان عناصری چون ترتیب و تناسب، رعایت حال خواننده، تناسب میان نظم و نثر، رعایت آهنگ کلمات، رعایت ایجاز، رعایت فصاحت و بلاغت الفاظ و پرهیز از لغات نامأنوس و نزاکت را به آن اضافه نموده است.» (بهار، ۱۳۸۰: ۳۵۳)

۲-۳- بررسی زبانی بهارستان

نخستین ویژگی بهارستان، زبان ساده آن است. «بهارستان، حتی در آن قسمت که رنگ ادبی دارد، متمایل به سادگی است؛ چه اینکه جامی، بهارستان را در درجه اول برای فرزند نوباوه خود می‌نگاشت و طبیعی است که زبانی ساده را برای انتقال مقصود انتخاب کند.» (صفا، ۱۳۸۷: ۲، ۱۹۵) ویژگی دوم آن، مسجع بودن آن است. جامی از سجع به حد کمال بهره برده است؛ با این حال کلام او آهنگین و موزون نیست. «در برخی موارد نیز سجع به تکلف گراییده است؛ مثل این نمونه که می‌گوید: «نزدیکی اجل با دوری از حسن عمل.» (جامی، ۱۳۷۹: ۴۶) که در عبارت «دوری از حسن عمل» تکلف برای رعایت سجع کاملاً نمایان است.

ویژگی سوم بهارستان، «زبان طنزگونه آن است، به نحوی که حتی یکی از روضه‌های بهارستان را به شوخی‌ها و مطایبات اختصاص داده است.» (شمیسا، ۱۳۸۷: ۲۰۴) یکی دیگر از ویژگی‌های بهارستان، ویژگی‌های دستوری آن است؛ جامی گاه صفت را بر موصوف مقدم داشته است؛ چنان که می‌سراید:

از سرّ سرّ به مَهرِ پشیمان نشد کسی بس فاش‌گشته سرّ که پشیمانی آورد

(جامی، ۱۳۷۹: ۴۳)

گاه فعل لازم را در معنای متعدی به کار می‌برد؛ مثل این بیت که می‌گوید:

و آنچه اندوخت سفله طبع لثیم بعد مرگ از برای دشمن ماند
(جامی، ۱۳۷۹: ۳۹)

و گاه فعل را به قرینه معنوی حذف نموده است؛ چنان که می‌نویسد: «مرا دهان خاموش، ترا زبان به خروش». (همان: ۱۳۹)

دیگر از ویژگی‌های بهارستان، کاربست ضرب‌المثل‌های عربی و ترجمه آن‌ها در قالب شعر است؛ چنان که بیت زیر را از ضرب‌المثل عربی «الضیف ما یتشرط و مولی الدار ما یفرط؛ مهمان [درباره کیفیت پذیرایی] برای صاحب‌خانه شرط تعیین نمی‌کند و میزبان نیز در پذیرایی از مهمان کم نمی‌گذارد» ساخته است:

چو میزبان بنهد خان مکرمت آن به
که از ملاحظه میهمان کنار کند
(همان: ۱۰۸)

وی اصطلاحات و لغات عرفانی و صوفیانه را نیز در نثر خود داخل کرده و با آن درآمیخته است؛ که در مقایسه با آثار منشور پیش از خود، کاری بدیع به شمار می‌رود؛ اصطلاحاتی نظیر «موبد»، «صوفی»، «خرقه»، «دلق»، «پیر»، «خانقاه» و ...

بامدادی موبد موبدان با قباد همعنان می‌رفت. (همان: ۵۳)

دید که اعرابی نشسته و از خرقة خود جنبندگان می‌چیند. (همان: ۵۷)

«از دیگر ویژگی‌های بهارستان کاربست واژگان و اصطلاحات عربی و فارسی زیبا و بدیعی چون «بارگی»، «بزه‌مند»، «خشک‌مغزی» و ... است.» (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۸: ۱۳، ۹۵)

۳-۳- شباهت‌ها و تفاوت‌های زبانی گلستان و بهارستان

شک نیست که جامی در تصنیف بهارستان از گلستان سعدی تقلید و نمونه‌برداری کرده است؛ چنان‌که خود در دیباچه کتابش می‌نویسد: «در آن اثنا چنان در خاطر آمد که - تبرکاً بانفاسه الشریفه و تتبعاً لاشعاره اللطیفه - ورقی چند بر آن اسلوب ساخته شود و جزوی چند بر آن منوال پرداخته گردد.» (جامی، ۱۳۷۹: ۲۰)

روی این اصل است که بهارستان از نظر زبانی شباهت‌هایی چند با گلستان به شرح زیر دارد:

- ۱- نثر هر دو کتاب ساده، بی تکلف و همه کس فهم است.
- ۲- نثر هر دو کتاب مسجع است و هر دو نویسنده از سجع به حد کافی در تصنیف خود بهره برده‌اند، با این حال سجع در بهارستان تا حدی به تکلف نزدیک شده است.
- ۳- در هر دو کتاب از مطایبات و طنز به خوبی بهره‌گیری شده است؛ سعدی در جای جای کتابش و جامی در روضه ششم از بهارستان، از ابزار طنز برای القای مطلب به خوبی بهره‌برداری کرده‌اند.
- ۴- هر دو کتاب از واژگان ثقیل و ترکیبات نامأنوس عربی خالی هستند.
- ۵- در هر دو کتاب از الفاظ بدیع و ترکیبات زیبای عربی و فارسی به خوبی بهره‌برداری شده است.
- ۶- در هر دو کتاب از ضرب‌المثل‌های رایج عربی و فارسی در مواردی بهره‌برداری شده است. با این حال بهارستان تمامی ویژگی‌های زبانی گلستان سعدی را نتوانسته است در خود جای دهد و در برخی موارد در مقایسه با گلستان کاستی‌ها و تفاوت‌هایی با آن دارد که در ادامه بدان می‌پردازیم:
- ۱- بهارستان، از وزن تهی است؛ عبارت‌های آن هر چند سجع دارد، اما آهنگین نیست و طینینی را که کلام سعدی دارد، در سخن جامی نمی‌توان یافت.
- ۲- برخلاف گلستان که از ایجاز شگفت‌انگیزی برخوردار است، بهارستان از اطناب مُمل به شدت رنج می‌برد؛ به گونه‌ای که این اطناب حتی در عناوین روضه‌ها نیز به وضوح مشاهده می‌شود.
- ۳- برخلاف گلستان که در آن شعر در خدمت نثر است، در بهارستان چنین رابطه‌ای میان اشعار و نثرها وجود ندارد؛ اشعار بهارستان اغلب همان حرفی را می‌زند که نثر می‌گوید؛ به بیان دیگر اشعار بهارستان جنبه تکمیل‌کنندگی و تأیید مطلب را ندارند، بلکه تنها از باب تفنّن در کلام به کار رفته‌اند.
- ۴- برخلاف گلستان که از اصطلاحات صوفیانه خالی است، بهارستان مملوّ از اصطلاحات صوفیانه است و این به خاطر مشرب عرفانی جامی است.

«در یک کلام می‌توان گفت که بهارستان در قیاس با اثر سعدی به کار نخلبندی می‌ماند که از موم باغچه‌ای کوچک به سبک یک گلستان واقعی پرداخته باشد.» (زرین کوب، ۱۳۷۸: ۱۸۵)

۴- بررسی و مقایسه ادبی و بلاغی گلستان و بهارستان

۴-۱- جنبه‌های ادبی و بلاغی گلستان

گلستان، آوردگاه انواع فنون و صنایع ادبی است؛ مهم‌ترین صنایع ادبی در گلستان عبارتند از: ۱- سجع: سجع در کلام سعدی مانند آب جاری است. او بزرگ‌ترین سجع‌پرداز زبان پارسی است. در گلستان سجع هست، ولی تا درجه‌ای که به سیاق کلام و بیان مقصود، لطمه‌ای نزند. در پندها که به منزله کلمات قصار است و در آینده از فرط انسجام و حسن تعبیر، ضرب‌المثل می‌شود، سجع بیشتر رعایت شده است تا در حکایات‌های مفصل. با اینکه سجع، مستلزم تصنع است، اما سجع سعدی از تکلف به دور است و هیچ‌یک از جملات و عبارات‌های گلستان مصنوعی و ساختگی نیست. «عبارات گلستان مانند آب روان و آهنگ جانان، جاذب، شیرین، گوشنواز و دلفریب است.» (سعدی، ۱۳۶۸: ۱۵) سعدی هیچ‌گاه معنا را فدای سجع نکرده است؛ برای مثال آنجا که می‌نویسد: «ملک‌زاده‌ای را شنیدم که کوتاه بود و حقیر و دیگر برادران بلند و خوبروی.» (همان: ۱۳) در اینجا سعدی نمی‌کوشد تا میان «حقیر» و «خوبروی» سجع ایجاد کند و بدین ترتیب معنا را فدای ظاهر کند. با این حال در ادامه همین حکایت از سجع مانند آب روان بهره می‌برد؛ آنجا که می‌نویسد: «کوتاه خردمند به که نادان بلند، نه هر چه به قامت مهتر به قیمت بهتر.» (همان)

۲- مقامه‌نویسی: یکی دیگر از ویژگی‌های ادبی گلستان، آمیختن شعر و نثر به شیوه مقامه‌نویسی^۱ است. «شیخ در گلستان، کتاب خود را به گونه‌ای پرداخته است که با حفظ اصلی این

۱- مقامه، خطبه یا سخنان ادبی به نثر فنی و مصنوعی توأم با اشعار و امثال و مشحون به صنایع بدیعی اعم از لفظی یا معنوی است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۴، ۲۱۳۰۱) مقامه در اصطلاح انواع ادبی، نوعی داستان کوتاه مشتمل بر یک واقعه است که اغلب به قصد سرگرمی شنوندگان و گاه برای پند و اندرز، با عباراتی مسجع و مقفی پرداخته شده باشد. در این نوع داستان‌ها، معمولاً قهرمانی واحد به صورت ناشناس وارد ماجرا می‌شود و همین که در پایان ماجرا شناخته می‌شود، ناپدید می‌گردد تا آنکه دوباره در هیأتی دیگر در مقامه بعدی ظاهر شود. بهترین نمونه مقامه‌نویسی در ادبیات فارسی، مقامات حمیدی است. مقامه‌نویسی خاص

فن، نموداری تمام عیار از نثر فنی مرسل باشد؛ به عبارت دیگر، سعدی، آراستگی لفظی را به توالی و پیوستگی معنی به هم پیوند داده و نمونه نثری به اسلوب سهل و ممتنع، ارائه داده است.» (یوسفی، بی تا: ۶۱۴)

۳- تلمیح: سعدی در جای جای گلستان از این صنعت بهره برده است:

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان

چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان

(سعدی، ۱۳۸۶- ب: ۲)

با بدان یار گشت همسر لوط	خاندان نبوتش گم شد
سگ اصحاب کهف روزی چند	پی نیکان گرفت و مردم شد

(همان: ۱۶)

۴- تشبیه: این صنعت نیز به وفور در گلستان یافت می شود:

پیراهن برگ بر درختان	چون جامه عید نیکبختان
----------------------	-----------------------

(همان: ۶)

ماری تو که هر که را بینی، بزنی	یا بوم که هر کجانشینی، بکنی
--------------------------------	-----------------------------

(همان: ۳۸)

۵- استعاره:

باد در سایه درختانش	گسترانیده فرش بوقلمون
---------------------	-----------------------

(همان: ۶)

«فرش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده.» (همان: ۱)

۶- کنایه:

یکی از وزرا پای تخت ملک بوسه داد و روی شفاعت بر زمین نهاد. (همان: ۱۵)

ادب عرب بود و پس از ورود به عرصه ادب فارسی، خیلی زود تغییر شکل داد و صورت خاص خود را یافت. بهترین نمونه منطبق با روح زبان فارسی و قابلیت های آن را سعدی در گلستان ارائه داده است. (شریفی، ۱۳۸۷: ۱۳۳۷)

هر که دست از جان بشوید هر چه در دل دارد بگوید. (همان: ۱۱)
۷- مجاز:

ملک را رحمت در دل آمد و از سر خون او گذشت. (همان)
مَنْتَ خدای را عزّ و جلّ که طاعتش موجب قربت است. (همان: ۱)

۸- ایهام:

گل همین پنج روز و شش باشد وین گلستان همیشه خوش باشد
(همان: ۷)

امید هست که روی ملال درنکشد از این سخن که گلستان نه جای دلتنگی است
(همان)

۹- تمثیل:

«دروغی مصلحت‌آمیز به که راستی فتنه‌انگیز» (همان: ۱۲)

«تربیت نا اهل را چون گردکان بر گنبد است.» (همان: ۱۶)

۱۰- تضمین: «در گلستان سعدی آیات و احادیث و اشعار و امثله تازی چنان با نسج کلام آمیخته و به جا و به موقع است که نه تنها مانعی در القای اندیشه پدید نیاورده، بلکه بر رسایی سخن افزوده و آن را شیرین و پرمعنی کرده است تا آنجا که عابد بر مستی که بر سر راه افتاده به استخفاف می‌نگرد؛ چه عذری بهتر از این آیه شریف می‌توان یافت که سعدی از سوی مرد آشفته گفته است: (اِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا) (فرقان/۷۲).» (همان: ۷۳) یا در جای دیگر می‌نویسد: «لختی به اندیشه فرو رفت و گفت: غالب اشعار او در این زمین به زبان پارسی است. اگر بگویی به فهم نزدیک‌تر باشد. "كَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدَرِ عُقُولِهِمْ"»^۱ (همان: ۱۲۳)

به طور کلی باید گفت سبک سعدی سهل و ممتنع است، «چه همه کس در بادی نظر تصوّر می‌کند که می‌تواند به شیوه سعدی تحریر و تقریر کند؛ زیرا مطالب را با کمال سهولت و آسانی

۱. «انا معاشر الانبياء امرنا ان نكلم الناس على قدر عقولهم»؛ پیامبر فرمود: «ما پیامبران امر شده‌ایم به اینکه با مردم به اندازه عقلشان سخن بگوییم.» (کلینی، ۱۳۶۳: ۱، ۲۳)

دریافته است، اما همین که قلم به دست می‌گیرد و قصد تقلید در سرمی‌پرورد، به زودی عجز و نا-توانی خویش را درمی‌یابد.» (سعدی، ۱۳۸۶- الف: مقدمه، ۳۱)

۲-۴- جنبه‌های ادبی و بلاغی بهارستان

زیبایی‌های ادبی و فنی در بهارستان نیز وجود دارد، اما کمتر از گلستان است. جامی سخنوری تواناست، اما در این عرصه به پای سعدی نمی‌رسد. اکنون به بررسی انواع صنایع ادبی در بهارستان می‌پردازیم:

۱- **سجع:** کتاب بهارستان به نثر مسجع و در عین حال ساده و روان نوشته شده است. سجع در بهارستان از آنجا که در برخی موارد به تکلف گراییده است، به پای گلستان نمی‌رسد. نمونه‌هایی از سجع متکلف بهارستان پیش‌تر از نظر گذشت و اکنون نمونه‌هایی از سجع مطلوب بهارستان را از نظر می‌گذرانیم:

«هر که با زبردستان شیوه مشت‌زنی بر دست گیرد، در لگدکوب زبردستان بمیرد.» (جامی، ۱۳۷۹: ۴۰)

«اگر طمع را پرسند که پدرت کیست؟ گوید: شک در مقدرات کردگاری، و اگر گویند: پیشه تو چیست؟ گوید: اکتساب مذلت و خواری، و اگر گویند: غایت تو چیست؟ گوید: به محنت حرمان گرفتاری.» (همان: ۳۴)

۲- **مقامه‌نویسی:** در بهارستان نیز از شیوه مقامه‌نویسی پیروی شده است، اما از آنجا که اشعار بهارستان، حالت مکمل برای حکایات و مطالب را، همانند آنچه سعدی انجام داده است، ندارد، باید گفت که بهارستان در این زمینه چندان موفق نبوده است.

۳- **تلمیح:**

بایدت ملک سکندر چون وی از حسن سیر دشمنان را دوست گردان دوستان را دوست‌تر

(همان: ۶۴)

همچون خر عزیر عظام آمده به هم لیکن هنوز گوشت نرویده بر عظام

(همان: ۱۰۲)

۴- تشبیه:

تن بُود چون غلاف و جان شمشیر

کار شمشیر می‌کند نه غلاف

(همان: ۳۸)

مغرور مشو به مال چون بی‌خبران

زیرا که بود مال چو ابر گذران

(همان: ۴۱)

۵- استعاره:

دانا دل از جواهر حکمت خزینه‌ای است

از خویشتن مدار جدا این خزینه را

(همان: ۵۳)

به عدل کوش که چون صبح آن طلوع کند

فروغ آن برود تا هزار فرسنگی

(همان: ۵۰)

۶- کنایه:

اعتراض است بر احکام جهاندار حکیم

عادت مرد حسدپیشه که خاکش به دهن

(همان: ۳۹)

۷- تمثیل:

چو ریزد شیر را دندان و ناخن

خورد از روبه‌ان لنگ، سیلی

(همان: ۶۱)

«یار از برای روز محنت باید و اگر نه، روز راحت یار کم نیست.» (همان: ۷۱)

۸- تضمین: جامی نیز همانند سعدی از آیات و احادیث و اشعار عربی در آثار خود استفاده کرده

است؛ اینک نمونه‌هایی از صنعت تضمین در بهارستان را از نظر می‌گذرانیم:

خدای تعالی می‌فرماید: «الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ» (زخرف/۶۷) ... نمی‌خواهم

که فردا بنای محبت ما خلل گیرد و دوستی ما به دشمنی بدل گردد.» (جامی، ۱۳۷۹: ۸۱)

«عقیل گفت: ای اهل شام، هیچ شنیده‌اید قول الله تعالی را آنجا که می‌گوید: (وَأَمْرَأَةٌ حَمَّالَةٌ

الْحَطْبِ) (مسد/۴) گفتند: آری. گفت: حمالة الحطب عمة معاویه است.» (همان: ۱۰۶)

«از مقبسات مشکات نبوت است این حدیث که «مَنْ عَشَقَ وَ عَفَا وَ كَتَمَ فَمَاتَ، مَاتَ شَهِيداً» (محمدی ری شهری، ۱۴۱۶ق: ۲، ۱۵۱۶؛ ۳، ۱۹۸۸؛ نجفی، ۱۴۲۳ق: ۷، ۱۶۹)» (جامی، ۱۳۷۹: ۷۸)

۴-۳- شباهت‌ها و تفاوت‌های ادبی و بلاغی گلستان و بهارستان

گلستان سعدی مشحون از انواع صنایع ادبی است و در جای‌جای این کتاب انواع آرایه‌های لفظی و معنوی به چشم می‌خورد. سجع، ایجاز، تلمیح، تشبیه، کنایه، استعاره، ایهام، تمثیل و تضمین از پر جلوه‌ترین صنایع ادبی در گلستان سعدی است. اما بهارستان، از صنایع بیان و بدیع تهی‌تر است؛ هر چند مواردی از تشبیه، تلمیح، کنایه، استعاره، تمثیل و ... را می‌توان در این کتاب پیدا کرد، اما در مقایسه با گلستان، جامی چندان از این صنایع بهره نبرده است.

«هر دو نویسنده کم و بیش از آیات، احادیث و اشعار عرب بهره برده‌اند، اما سهم جامی در این میان کمتر است. در کل حجم عبارات عربی که جامی در بهارستان به کار برده است، در مقایسه با عبارات عربی گلستان سعدی بسیار ناچیز است.» (بهار، ۱۳۸۰: ۳، ۱۱۲)

«در مورد کیفیت و ارتباط موضوعات کتاب بهارستان و تلفیق آن با عبارات عربی هم باید گفت که آن دقت و ظرافتی که در ارتباط دادن مضمون داستان‌ها با مفاهیم و معانی عبارات و اشعار عربی در گلستان وجود دارد، در بهارستان به چشم نمی‌خورد.» (همان)

نتیجه‌گیری

از آنچه گفته آمد مطالب زیر را به عنوان خلاصه و نتیجه فرایاد می‌آورد:

- ۱- شباهت‌ها و تفاوت‌های گلستان و بهارستان در سه حوزه ساختاری، زبانی و ادبی قابل بررسی است.
- ۲- در حوزه ساختاری، تنظیم هر دو کتاب در هشت باب، ترکیب نظم و نثر در هر دو کتاب، تصنیفی بودن هر دو کتاب و پرهیز هر دو نویسنده از گردآوری مطالب دیگران و اتکای هر دو نویسنده به دانش و تجربیات شخصی خود، وجود برخی باب‌های مشابه در هر دو کتاب، کم‌رنگ بودن نقش زنان در هر دو کتاب، ترکیب عربی و فارسی در هر دو کتاب و ارائه منظومه‌ای تربیتی در هر دو کتاب از مهم‌ترین شباهت‌های گلستان و بهارستان است.
- ۳- در حوزه ساختاری، دو کتاب در زمینه چگونگی تألیف و ترکیب باب‌ها، کوتاهی و بلندی عناوین باب‌ها، راوی صرف یا قهرمان بودن نویسنده در حکایت‌ها، وجود برخی باب‌های متفاوت، مستند بودن یا غیرواقعی بودن داستان‌ها و نوع ارتباط اشعار موجود در کتاب با متن حکایت‌ها با هم تفاوت دارند.
- ۴- در حوزه زبانی، نثر ساده، بی‌تکلف و همه‌کس فهم دو کتاب، مسجع بودن متن، استفاده از زبان مطایبه و طنز، دوری از الفاظ نامأنوس و ترکیبات مشکل فارسی و عربی، استفاده از ترکیبات و واژگان بدیع فارسی و عربی و بهره‌گیری از امثال و حکم در هر دو کتاب، از مهم‌ترین شباهت‌های دو اثر است.
- ۵- تهی بودن بهارستان از وزن و آهنگ و آهنگین بودن زبان گلستان، گرایش سجع بهارستان به تکلف و سادگی و روانی سجع در گلستان، وجود اطناب ممل در بهارستان و ایجاز شگفت‌انگیز در گلستان و کاربست اصطلاحات صوفیان در بهارستان و خالی بودن گلستان از این اصطلاحات، از مهم‌ترین تفاوت‌های دو کتاب در حوزه زبانی است.
- ۶- در حوزه ادبی و بلاغی نیز گلستان مشحون از انواع صنایع بیان و بدیع است، اما بهارستان در مقایسه با گلستان، کمتر به این آرایه‌ها پرداخته است. هر دو کتاب کم و بیش از آیات و روایات و اشعار و امثال عرب بهره برده‌اند، اما در این میان سهم جامی و بهارستان کمتر است. علاوه بر این، ارتباط موضوعات و تلفیق آن با متون عربی کتاب در گلستان روان‌تر، دقیق‌تر و ظریف‌تر است.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- ۲- انوری، حسن، (۱۳۸۵)، فرهنگ سخن، تهران: دانشگاه تهران.
- ۳- بهار، محمدتقی، (۱۳۸۰)، سبک‌شناسی، تهران: توس.
- ۴- پادشاه، محمد، (بی‌تا)، فرهنگ جامع فارسی، تهران: خیام.
- ۵- جامی، نورالدین عبدالرحمن، (۱۳۶۶)، مثنوی هفت اورنگ، تصحیح: مرتضی مدرس گلابی، تهران: سعدی، چاپ دوم.
- ۶- _____، (۱۳۸۶)، بهارستان، تصحیح: اسماعیل حاکمی، تهران: اطلاعات.
- ۷- _____، (۱۳۷۹)، بهارستان و رسائل جامی، تصحیح: اعلاخان افصح‌زاد، محمدجان عمرآف، ابوبکر ظهورالدین، تهران: میراث مکتوب، چاپ اول.
- ۸- حاکمی، اسماعیل، (۱۳۷۷)، نکاتی درباره سبک کتاب بهارستان جامی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، زمستان ۷۷ و بهار ۷۸.
- ۹- حکمت، علی اصغر، (۱۳۳۹)، از سعدی تا جامی (ترجمه جلد سوم تاریخ ادبیات ادوارد براون)، تهران: ابن‌سینا.
- ۱۰- _____، (۱۳۶۳)، جامی، تهران: توس، چاپ اول.
- ۱۱- خزائلی، محمد، (۱۳۴۸)، شرح گلستان، تهران: جاویدان، چاپ دوم.
- ۱۲- خطیبی، حسین، (۱۳۸۶)، فنّ نشر در ادب پارسی، تهران: زوار، چاپ سوم.
- ۱۳- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۴- زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۸)، از گذشته ادبی ایران، تهران: سخن، چاپ دوم.
- ۱۵- _____، (۱۳۷۹)، حدیث خوش سعدی، تهران: سخن.
- ۱۶- سعدی، مصلح بن عبدالله، (۱۳۶۸)، گلستان سعدی، مقدمه و تصحیح: غلامحسین یوسفی، تهران: سخن، اول.
- ۱۷- _____، (۱۳۸۶) - الف: دیوان سعدی، مقدمه و تصحیح: منوچهر دانش‌پژوه، تهران: هیرمند.

- ۱۸- _____، (۱۳۸۶) ب: *گلستان سعدی*، به کوشش: برات زنجانی، تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم.
- ۱۹- _____، (۱۳۸۷)، *کلیات سعدی*، مقدمه: محمدعلی فروغی، تصحیح: نظام‌الدین نوری، تهران: کتاب آبان.
- ۲۰- _____، (۱۳۹۰)، *بوستان سعدی*، مقدمه: غلامحسین مصاحب، تهران: پیام عدالت، چاپ دوم.
- ۲۱- شریفی، محمد، (۱۳۸۷)، *فرهنگ ادبیات فارسی*، ویراستار: محمدرضا جعفری، تهران: انتشارات معین.
- ۲۲- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۱)، *سبک‌شناسی نثر*، تهران: میترا، چاپ ششم.
- ۲۳- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۴۸)، *گنجینه سخن*، تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۴- _____، (۱۳۷۸)، *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران: فردوس، چاپ پانزدهم.
- ۲۵- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۳)، *الکافی*، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم.
- ۲۶- مایل هروی، نجیب، (۱۳۷۷)، *جامی*، تهران: طرح نو.
- ۲۷- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، تصحیح: محمدباقر بهبودی، بیروت: الوفاء، چاپ دوم.
- ۲۸- محمدی ری‌شهری، محمد، (۱۴۱۶ق)، *میزان الحکمه*، قم: دارالحدیث، چاپ دوم.
- ۲۹- مظفری، علیرضا و گودرزی، رقیه، (۱۳۸۷)، *بررسی و مقایسه محتوایی و بلاغی بهارستان جامی با گلستان سعدی*، فصلنامه ادبیات فارسی (علمی - ترویجی)، سال چهارم، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۷۸، صص ۵۳ - ۸۰.
- ۳۰- معین، محمد، (۱۳۸۵)، *فرهنگ فارسی معین*، تهران: راه رشد، چاپ دوم.
- ۳۱- موسوی بجنوردی، محمدکاظم و دیگران، (۱۳۸۳)، *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، تهران: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- ۳۲- نجفی، هادی، (۱۴۲۳ق)، *موسوعه احادیث اهل‌البیت*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
- ۳۳- یوسفی، غلامحسین، (بی‌تا)، *دیدار با اهل قلم*، مشهد: دانشگاه فردوسی، چاپ دوم.